

عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی از دیدگاه ساکنان محلی، مطالعه موردی: شهرستان اردبیل

دریافت مقاله: ۹۶/۱۰/۱۱ پذیرش نهایی: ۹۷/۲/۲۰

صفحات: ۲۳-۴۶

وکیل حیدری ساربان: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران!

Email: Vheiadri56@gmail.com

علیرضا عبدپور: استادیار مدیریت کشاورزی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Email: Alireza.Abdpour@gmail.com

چکیده

هدف و ایده اصلی معیشت پایدار استفاده از منابع، دارایی‌ها و سرمایه‌های موجود (انسانی، اجتماعی، مالی، طبیعی، نهادی و فیزیکی) در مناطق روستایی بدون آسیب‌رسانی به محیط می‌باشد. بر این اساس، دارایی‌ها و سرمایه‌های روستایی می‌تواند پایه‌گذار دست‌یابی به اهداف معیشت پایدار روستایی باشد. هدف این مقاله عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی از دیدگاه روستاییان استان اردبیل می‌باشد. این تحقیق، از لحاظ هدف توسعه‌ای، و از لحاظ ماهیت توصیفی و پیمایشی و نیز از نوع تحلیلی است. در این تحقیق روش گردآوری داده‌ها برای پاسخ‌گویی به سئوالات تحقیق، به دو صورت اسنادی (داده‌های ثانویه) و پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی پرسش‌نامه و مصاحبه بوده است. روایی صوری پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان مورد تایید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه آلفای کرونباخ در نرم افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۳ الی ۰/۸۲ بدست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل تحلیل عاملی استفاده شد و نتایج این مدل نشان داد مهم‌ترین عوامل بهبود معیشت پایدار از دیدگاه روستاییان در منطقه مورد مطالعه شامل چهار مولفه (کارآفرینی و تقویت زیرساخت اقتصادی، حمایت از طرف عرضه و اقدام مداخله‌ای دولت، تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی و مدیریت زیست محیطی و تقویت زیرساخت فیزیکی) است که مقدار واریانس و واریانس جمعی تبیین شده توسط این چهار عامل ۶۰/۶۶ می‌باشد. و در نهایت، بر اساس نتایج تحقیق پیشنهادات کاربردی ارائه شده است.

کلیدواژگان: معیشت پایدار روستایی، توسعه روستایی، دارایی‌های معیشتی، شهرستان اردبیل.

مقدمه

لازمه رسیدن به توسعه، توجه به روستاها به عنوان بخش پایه است، زیرا عمده جمعیت آسیب‌پذیر در مناطق و بافت‌های روستایی کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. تغییراتی عمده در تفکر روستایی در نیم قرن گذشته رخ داده و رهیافت معیشت پایدار روستایی به طور بالقوه در کشورهای در حال توسعه در تلاش برای کاهش فقر روستایی، مطرح شده است (نوروزی و حیاتی، ۱۳۹۴: ۱۲۸) به عبارتی یکی از راه‌های ناگزیر پیش‌رفت و جلوگیری از افزایش فقر روستاییان، توجه به وضع معیشتی خانوار روستایی است. فقر روستایی یکی از مشکلات دوره کنونی به شمار می‌رود (نجفی و حیاتی، ۱۳۹۱) بنابراین کمک واقعی برای قشر آسیب‌پذیر روستایی، دستگیری حمایتی از آنها نیست؛ بلکه تحول در شیوه معیشت آنهاست. برای کاهش مشکلات فوری معیشتی در مناطق روستایی، باید اقدامات زیربنایی در جهت تدوین روش‌های جدید سازمان‌دهی فعالیت، تنوع شغلی و بهره‌برداری از منابع با رویکرد آینده‌نگری صورت گیرد؛ زیرا که جوامع روستایی امروزی عمدتاً با ویژگی‌هایی مانند فقر اطلاعاتی، مهارت‌های پایین، فرهنگ کارآفرینی ضعیف و نابرابری‌های قومی و قبیله‌ای روبرو هستند که تاثیر به‌سزایی در ناپایداری معیشتی آنها دارد. به همین جهت، چالش‌های راهبردی عمده پیش روی این جوامع در جهت رسیدن به معیشت پایدار روستایی شامل: تنوع‌بخشی معیشتی، برقراری ترکیب مناسب بین سرمایه‌های معیشتی در مناطق روستایی، تحلیل منابع معیشتی و انطباق شیوه فعالیت با توان محیط زیست و تحلیل سطح آسیب‌پذیری محیط زیست است (Cahn, 2006) و با توجه به فقر شدید، به خطر افتادن معیشت روستاییان، ناتوانی اقتصاد روستاییان که منجر به افزایش آسیب‌پذیری قشر روستایی می‌شود، ناامنی غذایی، استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی، هم‌چنین کاهش رفاه و درآمد خانوار که مهاجرت نیروی کار به شهرها را به همراه داشته و سبب رکود مزارع، کاهش سطح زیرکشت و به دنبال آن وابستگی کشور به واردات محصولات شده است، اهمیت توجه به پایداری معیشت روستاییان که یکی از ارکان دستیابی به توسعه پایدار روستایی است، ضروری به نظر می‌رسد و با در نظر گرفتن اهمیت و نقش تاثیرگذاری که معیشت پایدار در زندگی خانوار روستایی دارد، هم‌چنین افزایش نرخ بیکاری در میان روستاییان و عدم توانایی برآورده ساختن نیازهای اولیه زندگی که ناشی از نبود یک معیشت پایدار است، توجه به این موضوع از ضروریات است. مادامی که زندگی خانوار روستایی با چالش فقر در پی نبود حداقل استانداردها برای زندگی مواجه شود، موجب تحت الشعاع قرارگرفتن تمام ابعاد زندگی آنان می‌شود. مشکلات وسیعی در سطح گسترده از جمله مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و روانی به وقوع می‌پیوندد. از این رو توجه به برقراری یک معیشت پایدار در سطح خانوار روستایی باید در اولویت ویژه‌ای قرار گیرد و در این ارتباط از آن جایی که خود روستاییان بیش‌تر از متولیان، برنامه‌ریزان، کارشناسان و در کل مسئولان درگیر در توسعه مناطق روستایی به اولویت‌ها، نیازها، ترجیحات، کمبودها، قابلیت‌ها و در کل امورات مرتبط با زندگی خودشان واقف هستند از این رو، جمع‌آوری اطلاعات از آنها پیرامون معیشت پایدار خودشان بیش‌تر با واقعیت همسو خواهد بود از این رو هدف این مقاله بررسی عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی از دیدگاه ساکنان محلی است. عوامل گوناگونی بی‌تردید در بهبود معیشت پایدار روستایی دخالت دارند که نبود آنها بهبود معیشت پایدار روستایی را با چالش‌های عدیده‌ای مواجه می‌سازد. بر همین اساس، شناسایی عوامل و عناصر بهبود معیشت پایدار روستایی از پیش‌شرط‌های اساسی در

جهت برنامه‌ریزی توسعه روستایی و توسعه ملی به شمار می‌رود و نقش بالایی در برنامه‌ریزی راهبردی دولت‌ها در مناطق روستایی خواهد داشت. هم‌چنین بررسی‌ها و مطالعات میدانی نگارنده در نواحی روستایی شهرستان اردبیل حاکی از آن است که میزان معیشت پایدار روستاییان ساکن در مناطق روستایی شهرستان اردبیل در سطح پایینی قرار دارد که می‌توان با تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، بهبود عملیات کشاورزی، تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، آموزش مداوم و مستمر، حفظ محیط زیست، توسعه امکانات زندگی در روستا، تقویت شبکه‌های اجتماعی، تقویت زیرساخت فرهنگی، مشارکت اجتماعی، تقویت کارآفرینی، تمرکز بر عناصر بومی و محلی، ثبات شغلی و تقویت زیرساخت‌های فیزیکی و ... به بهبود معیشت پایدار روستایی مساعدت کرد به این خاطر این تحقیق به دنبال آن است که این سؤال را مورد بررسی و کاوش قرار دهد: که عوامل بهبود معیشت پایدار جوامع روستایی شهرستان اردبیل کدام عامل می‌باشد؟ به همین خاطر ابتدا مبانی نظری معیشت پایدار روستایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و سپس با ارائه مدل مفهومی عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی بررسی گردیده است و از آنجایی که در ایران تاکنون مطالعه خاصی در خصوص عوامل بهبود معیشت پایدار جوامع روستایی صورت نگرفته است به همین خاطر مقاله حاضر در راستای بررسی عوامل بهبود معیشت پایدار روستاییان شهرستان اردبیل می‌باشد.

تاکنون مطالعات چندی در خصوص معیشت پایدار روستایی در سطح کشور و جهان صورت گرفته که در ذیل به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان «سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار» به این نتیجه رسیدند که بین روستاهای مورد مطالعه از نظر برخورداری از دارایی‌های معیشتی تفاوت معناداری وجود دارد. عبدالله زاده و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر گردشگری بر معیشت پایدار روستایی در استان گلستان» نشان دادند که سرمایه‌های معیشتی پنج‌گانه در دو گروه روستاها کمتر از حد متوسط و در وضعیت نامناسب بود. هم‌چنین نتایج آزمون t مستقل نشان داد که میانگین سرمایه‌های فیزیکی، مالی و کل سرمایه‌ها در روستاهای گردشگری از روستاهای غیرگردشگری بیش‌تر است. کوبرلین (۲۰۱۱)، به بررسی پویایی سطح معیشت خانواده روستایی در دوره‌ی زمانی ۲۰۱۳ و ۲۰۱۱ پرداختند. نتایج بیان‌گر این بود که در طی زمان دارایی‌های معیشتی، یعنی سرمایه فیزیکی، انسانی و اجتماعی، افزایش یافته، در حالی که دسترسی به سرمایه‌های طبیعی و مالی به طور قابل توجهی کاهش یافته است. نتایج مطالعات شهرکی و شریف زاده (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان «ارزیابی جایگاه آبی‌پروری در معیشت پایدار روستایی» نشان دادند که آبی‌پروری موجب پایداری بیش‌تر دارایی‌های اجتماعی، انسانی و مادی معیشتی کشاورزان آبی‌پرور فعال در مقایسه با دو گروه دیگر بوده است. بر مبنای یافته‌های پژوهش، آبی‌پروری سبب بهبود وضعیت پایدار معیشت کشاورزان آبی‌پرور فعال شده است. نتایج تحقیق نوروزی و حیاتی (۱۳۹۴)، با عنوان «سازه‌های مؤثر بر معیشت پایدار روستایی از دیدگاه کشاورزان استان کرمانشاه» مویب این واقعیت است که سازه‌های اقتصادی، فیزیکی، اجتماعی، زیست محیطی و انسانی به نوعی با پایداری معیشت از دیدگاه کشاورزان، رابطه داشته‌اند. نتایج پژوهش کریمی و کرمی دهکردی (۱۳۹۴) با عنوان «بهره‌برداری از مراتع و لزوم متنوع سازی معیشت خانوارهای روستایی مطالعه موردی: شهرستان ماه-

نشان داد که بهره‌برداران به دام و مرتع وابستگی زیادی دارند. نتایج تحقیق خسروزادیان و همکاران (۱۳۹۵)، با عنوان «اولویت‌بندی نظام بهره‌برداری کشاورزی شهرستان بهبهان بر اساس الگوی معیشت پایدار» نشان داد که از بین معیارهای پنج‌گانه، معیار سرمایه انسانی، مالی، اجتماعی، فیزیکی و طبیعی به ترتیب با وزن‌های ۰/۳۶۰، ۰/۳۵۴، ۰/۱۰۶، ۰/۰۹۹، ۰/۰۸۱ بیش‌ترین سهم را در تعیین پایداری یک نظام بهره‌برداری ایفا کردند. هم‌چنین از سه نظام مورد مطالعه در این پژوهش نظام تعاونی پایدارترین نظام معرفی شد و نظام‌های اجاره‌ای و خانوادگی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. نتایج مطالعات محمدی یگانه و ولایی (۱۳۹۳)، با عنوان «تنوع بخشی به اقتصاد روستاها جهت تحقق توسعه پایدار» نشان داد که بین تنوع اقتصادی روستاها و میزان پایداری آن‌ها در سطح ۰/۰۵ آلفا رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به طوری که با افزایش تنوع اقتصادی در سطح روستاهای مورد مطالعه، میزان پایداری هر یک از روستاها نیز افزایش می‌یابد. ناراین، گوپتا و وانت (۲۰۰۸)، با استفاده از داده‌های گردآوری شده از ۵۳۶ خانوار در ۶۰ روستا در جاهابا، یکی از مناطق هند نشان داده‌اند که چگونه خانوارهای روستایی در کشورهای در حال توسعه، از ذخیره و موجودی منابع طبیعی مشترک درآمد کسب می‌کنند. در واقع، در پژوهش فوق بر این موضوع تأکید شده است که چگونه اثر متقابل سه نوع از دارایی‌های خصوصی شامل زمین، دام و سرمایه اجتماعی همواره با دارایی‌های طبیعی، راهبردهای معیشتی خانوارهای فقیر روستایی را شکل می‌دهند. در بررسی مذکور، اثبات شده است که معیشت خانوارهای روستایی در کشورهای در حال توسعه، به طور معنی‌داری، به منابع طبیعی مشترک منوط است. مطالعات کرانتز^۲ (۲۰۰۵)، نشان داد که بین دسترسی به خدمات اجتماعی، دسترسی به بازار، کیفیت منابع آب و خاک و ثبات شغلی با بهبود معیشت پایدار روستایی رابطه معناداری وجود دارد. تانگ و همکاران^۳ (۲۰۱۳)، در یافته‌های میدانی خود به این نتیجه رسیدند که هرچه روستاییان در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های پیرامون توسعه مناطق روستایی مشارکت بیش‌تری داشته باشند به همان میزان شاخص‌های معیشت پایدار مناطق روستایی بهبود می‌یابد. به باور اسکونز^۴ (۲۰۱۰)، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، درآمد سرانه، دسترسی به منابع اطلاعاتی و دانش همگانی، بیمه محصولات کشاورزی و وضعیت زیرساخت‌های فیزیکی از متغیرهای تاثیرگذار بهبود معیشت پایدار روستایی است.

نتایج تحقیق اکسوه و همکاران (۲۰۱۵)، با عنوان «راهبردهای معیشت خانوار وابسته به کشاورزی در سکونتگاه‌های کوهستانی» نشان داد که متغیرهای تحصیلات، تعداد اعضای خانوار، سن سرپرست خانوار، و تعداد کارگران خانوار و شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی تاثیر معناداری بر معیشت خانوار داشته است. مطالعات چرنی و هیل^۶ (۲۰۱۰)، حاکی از آن است که بین میزان حفظ محیط زیست، ریسک‌پذیری، بهبود عملیات کشاورزی، دسترسی به منابع اطلاعاتی و توسعه امکانات حمل و نقل با بهبود معیشت پایدار روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به زعم ادینس^۷ (۲۰۱۳)، درجه مکانیزاسیون مزارع، تقویت زیرساخت اقتصادی،

- 2 . Krantz
- 3 . Qing and et al
- 4 . Scoones
- 5 . Xu
- 6 . Cherni and Hill
- 7 . Eddins

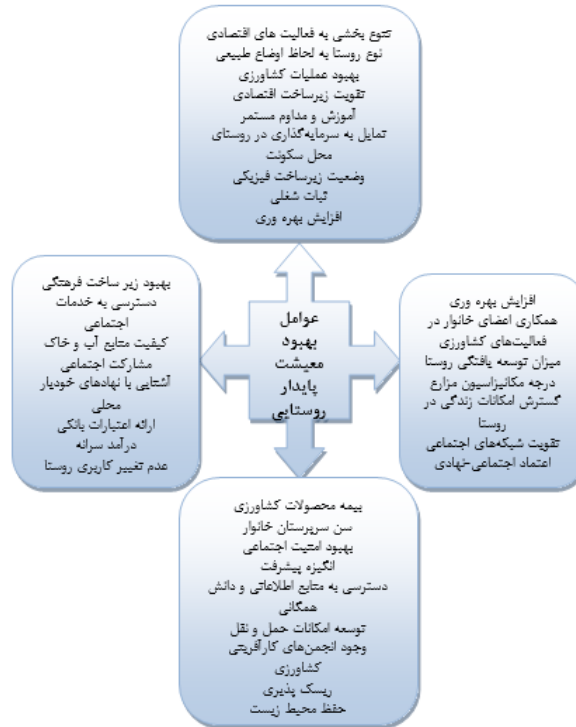
تقویت شبکه‌های اجتماعی، دسترسی به خدمات اجتماعی، ارائه اعتبارات بانکی و نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی از متغیرهای تاثیرگذار معیشت پایدار روستایی است. از منظر ایان^۸ (۲۰۱۵)، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی جلوی فشار مضاعف بر منابع زیست محیطی را از منظر تخریب منابع طبیعی پایه مانند آب و خاک، حفظ تنوع زیستی و حفاظت حیات وحش گرفته و به معیشت پایدار روستایی مدد می‌رساند. در نهایت متغیرهای تحقیق در خصوص عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی در جدول (۱) و چارچوب نظری با توجه به مرور ادبیات و پیش‌نگاشته‌های موضوع در شکل (۱) ارائه شده است.

جدول (۱) معرفی متغیرهای تحقیق در خصوص بررسی عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی

ردیف	متغیرهای تحقیق	مآخذ
۱	سرمایه فیزیکی، انسانی، اجتماعی، مالی و طبیعی	کوبرلین (۲۰۱۱)
۲	سازه‌های اقتصادی، فیزیکی، اجتماعی، زیست محیطی و انسانی	نوروزی و حیاتی (۱۳۹۴)
۳	دام و مرتع	کریمی و کریمی دهکردی (۱۳۹۴)
۴	سرمایه مالی، اقتصادی، فیزیکی، اجتماعی و انسانی	سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۵)
۵	سرمایه‌های فیزیکی، مالی و کل سرمایه‌ها	عبدالله زاده و همکاران (۱۳۹۴)
۶	دسترسی به خدمات اجتماعی، دسترسی به بازار، کیفیت منابع آب و خاک و ثبات شغلی	کرانتز (۲۰۰۵)
۷	مشارکت، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری	تانگ و همکاران (۲۰۱۳)
۸	تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، درآمد سرانه، دسترسی به منابع اطلاعاتی و دانش همگانی، بیمه محصولات کشاورزی و وضعیت زیر ساخت‌های فیزیکی	اسکونز (۲۰۱۰)
۹	تحصیلات، تعداد اعضای خانوار، سن سرپرست خانوار، و تعداد کارگران خانوار و شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی	اکسو و همکاران (۲۰۱۵)
۱۰	حفظ محیط زیست، ریسک‌پذیری، بهبود عملیات کشاورزی، دسترسی به منابع اطلاعاتی و توسعه امکانات حمل و نقل	چرنی و هیل (۲۰۱۰)
۱۱	درجه مکانیزاسیون مزارع، تقویت زیرساخت اقتصادی، تقویت شبکه‌های اجتماعی، دسترسی به خدمات اجتماعی، ارائه اعتبارات بانکی و نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی	بالتز و مازور (۲۰۰۹)
۱۲	منابع طبیعی پایه مانند آب و خاک، حفظ تنوع زیستی و حفاظت حیات وحش	ایان (۲۰۱۵)

مآخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

⁸. Ian



شکل (۱) چارچوب نظری پژوهشی؛ منبع: یافته های تحقیق؛ ۱۳۹۵

مبانی نظری

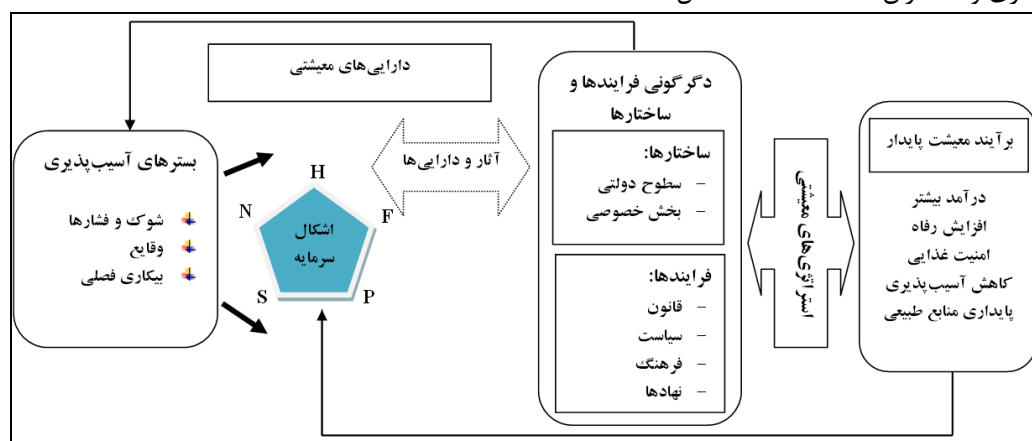
معیشت به مفهوم تفکر در مورد دسترسی به دارایی ها و مدیریت برای نگهداری آن ها است. معیشت به معنی زندگی و زنده بودن، توانایی ها، دارایی ها و فعالیت هایی است که برای زندگی و زنده بودن مورد نیاز است (Chambers, 2006) و نیز، اساس توسعه انسانی و توسعه اقتصادی بر معیشت استوار است. معیشت چیزی بیش تر از شغل است. معیشت شامل همه کارهایی است که افراد انجام می دهند تا گذران زندگی کنند (Helmor & Sing, 2003) از گزارش امنیت غذایی (۲۰۰۰) به این سو، مباحثه بر فقر، پایداری، سیستم های معیشتی روستا و تنوع بخشی آن ها و تمرکز و تاکید بر فرآیند مشارکت و ماهیت فقر، منجر به رسمیت رویکرد معیشت پایدار شد (Shen, 2009:45) معیشت زمانی پایدار است که بتواند با شوک ها و استرس ها مقابله کند و یا آن را بهبود بخشد و هم چنین توانایی ها و دارایی های خود را - در حال و آینده - حفظ کند و یا آن را افزایش دهد و در عین حال منابع طبیعی پایه را تضعیف نکند (Babulo et al., 2008, 148; DFID, 1999). پژوهشگران معتقدند که مردم در نواحی در حال پیشرفت و کشورهای جهان سوم، معیشت خود را از میان مجموعه ای از دارایی ها و سرمایه ها شکل می دهند و شناخت معیشت آن ها از طریق شناخت این چارچوب امکان پذیر خواهد بود. رویکرد معیشتی، فقر را فراتر از ناکافی بودن درآمد می داند (Guillotera et al., 2012, 288) در رویکرد معیشتی منابع به پنج گروه ۱. سرمایه انسانی (مهارت، آموزش و سلامت)؛ ۲. سرمایه فیزیکی (ابزار، تجهیزات، وسایل حمل و نقل و بازار فروش)؛ ۳. سرمایه مالی (پول، پس اندازها، دسترسی به وام

و قرض؛ ۴. سرمایه طبیعی (زمین، آب و دام)؛ ۵. سرمایه اجتماعی (شبکه‌ها و اتحادیه‌ها) تقسیم می‌شوند که اعضای خانوار به آن دسترسی دارند یا مالک آن هستند (شهرکی، شریف زاده، ۱۳۹۴: ۹۹) و چمبرز (۱۹۹۵)، معیشت پایدار را به عنوان یک سطح از ثروت، سرمایه و جریان غذا و پول نقد که برای رفاه فیزیکی و اجتماعی و امنیت و جلوگیری از فقیر شدن لازم است، تعریف کرده است.

بررسی ادبیات مربوطه نشان می‌دهد رویکرد معیشت پایدار از بستر نظریه گسترده توسعه روستایی برخاسته است. نظریه توسعه روستایی، خود از سه بدنه فکری اصلی یعنی مدل جمعیت و تکنولوژی، توسعه کشاورزی و تئورهای اقتصاد سیاسی عبور کرده است (Ellis, 2000) و به رویکردهای جدید معیشت پایدار، حکمرانی خوب، کاهش فقر و غیره متمرکز شده است (Elis and Becks, 2001) تامین معیشت پایدار به عنوان گزینه‌های معیشتی شامل محیط زیست امن، اقتصاد کارآمد و داشتن عدالت اجتماعی تعریف شده است (Amaral, 2010: 45) در این میان، رویکرد معیشت پایدار به عنوان یکی از رویکردهای جدید توسعه پایدار روستایی، شیوه‌ای برای اندیشیدن و تلاش برای دستیابی به توسعه است که در اواخر دهه ۱۹۸۰ با هدف پیشرفت و در جهت فقرزدایی از اجتماعات روستایی به وجود آمد و تمرکز بر رویکرد معیشت پایدار روستایی به سه دلیل اهمیت یافت: اول این که پیش‌نیاز برای بقای جمعیت انسانی است. دوم این که شرط لازم برای کشاورزی خوب و مدیریت پایدار می‌باشد و سوم این که ابزاری برای پیش‌گیری از فرآیند مهاجرت شهری از روستاها است (Chen, 2012: 220) و تاکنون تعاریف متعددی از معیشت پایدار به عمل آمده است موسسه محیط زیست استکهلم معیشت پایدار را این چنین تعریف می‌کند: ایجاد شرایطی که در سیستم‌های انسانی، طبیعی و اقتصادی که حامی توسعه پایدار بوده و در عین حال، از منابع و فرصت‌های نسل‌های آتی حفاظت کرده و امکانات لازم را برای تامین غذا، سرپناه و نوعی زندگی مقبول توسط خود افراد فراهم می‌آورد (Balgis, 2004: 65). در فرهنگ آکسفورد، معیشت پایدار وسیله‌ای حمایتی تعریف شده است که صرفاً برای مصرف و درآمد نیست، بلکه وسیله‌ای برای زندگی ایمن محسوب می‌شود (شکوری، بهرامی، ۱۳۹۳: ۴). موسسه بین‌المللی توسعه پایدار، چنین استدلال می‌کند که معیشت پایدار در واقع، امکانات و ظرفیت‌های مردم را در جهت انجام و حفظ شیوه‌های مناسب زندگی به کار می‌گیرد و ضمن رفاه آن‌ها، نسل‌های آینده را نیز مورد ملاحظه قرار می‌دهد. این امکانات مشروط به وجود و در دسترس بودن گزینه‌های اکولوژیکی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بوده و مبتنی بر مساوات، مالکیت منابع و نظام تصمیم‌سازی مشارکتی می‌باشد. تعریف عملی فوق به اهمیت توانمندسازی افراد و کسب استقلال در بر آورده شدن نیازهای آن‌ها اشاره دارد (Cahn, 2002: 85) الیس (۲۰۰۰)، در تعریف خود از معیشت پایدار معتقد است که معیشت با تاکید بیشتر بر دسترسی به دارایی و فعالیت‌هایی که تحت تاثیر روابط اجتماعی (جنسیت، سواد، طبقه، نژاد، قومیت و اعتقادات) و نهادها قرار دارند، شکل می‌گیرد و هر گونه اشاره به پایداری یا توانایی‌ها را مستثنی می‌کند. به باور چمبرز و کانوی (۱۹۹۲)، معیشت پایدار یک معیشت از قابلیت‌ها و دارایی‌ها (انبارها، منابع، و حق دسترسی به منابع) و فعالیت‌ها (شغل‌ها) و لازم برای گذران معاش تشکیل شده است: یک معیشت هنگامی پایدار است که بتواند با فشارها و شوک‌ها سازگار شود و بهبود یابد، قابلیت‌ها و دارایی‌های خود را تقویت یا حفظ کند و فرصت‌های معیشت پایدار را برای نسل بعد نیز فراهم آورد؛ و نیز این که منافع خالصی را برای معیشت دیگران

در سطوح محلی یا ملی و در کوتاه یا بلند مدت ایجاد کند. هم‌چنین چمبرز و کانوی پیشنهاد دادند که مفهوم امنیت معیشت روستایی باید با تمرکز بر قابلیت، عدالت و پایداری باشد (Hiremath & Singh, 2010). شاخص معیشت پایدار روستایی در برگیرنده (۱) شاخص زیست محیطی شامل متغیرهایی مانند پوشش جنگلی، خاک و پارامترهای کیفیت آب، آلودگی هوا، تخلیه آب‌های زیرزمینی، و غیره. (۲) شاخص بهره‌وری اقتصادی شامل متغیرهایی از قبیل بهره‌وری زمین، بهره‌وری نیروی کار، مازاد عرضه در بازار، نسبت ورودی به خروجی، و غیره. (۳) شاخص عدالت اجتماعی شامل متغیرهایی مانند توزیع عادلانه زمین، دارایی و درآمد، تعداد افراد بالای خط فقر، سواد زنان و غیره می‌باشد.

در یک جمع‌بندی باید گفت در دوره‌های اخیر آنچه به عنوان چارچوب معیشت پایدار و به عنوان راهبرد بقا روستایی نامیده می‌شود، شامل مولفه‌های سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی، سرمایه اجتماعی، سرمایه‌های مالی و سرمایه طبیعی می‌شود. بنابر این، راهبردهای معیشت، مرکب از دامنه‌ای از فعالیت‌ها، هم در زمینه دسترسی به دارایی و استفاده از آن‌ها است که می‌توان آن‌ها را به وسیله عوامل اجتماعی (روابط اجتماعی، نهادها و سازمان‌ها)، جهت‌گیری بیرونی (نظیر جهت‌گیری‌ها و روندهای اقتصادی) و شوک‌ها و رویدادهای محیطی (خشکسالی، سیلاب، آفات و ...) تعبیر کرد. که برقراری ارتباط و پیوند بین عناصر به صورت منطقی، شکل دهنده چارچوب منطقی است. از این رو، چارچوب‌های مفهومی بر پایه مجموعه‌ای از عناصر در رویکرد معیشت پایدار شکل گرفته و روابط بین این عناصر را ارایه می‌کنند. شناخته شده‌ترین مدل مفهومی از رویکرد معیشت پایدار توسط دپارتمان توسعه بین‌المللی ترسیم و ارائه شده است (کارنی، ۱۹۹۹ به نقل از سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۳) (شکل ۲).



شکل (۲) چارچوب مفهومی پژوهش؛ ماخذ: کارنی، ۱۹۹۹

معیشت پایدار دارای ابعاد مختلف اقتصادی، انسانی، اقتصادی اجتماعی و زیست محیطی است. سرمایه انسانی، به مهارت‌ها، بهداشت مناسب و توانایی کارکردن که در مجموع، دنبال کردن استراتژی‌ها و فعالیت‌های معیشتی مختلف و دستیابی به اهداف معیشتی را برای افراد ممکن می‌سازد اطلاق می‌شود (Shen, 2009: 60). اصطلاح سرمایه طبیعی به منابع طبیعی نظیر آب، مواد معدنی و نفت، زمین، اکوسیستم، تهیه آب، هوا و آب و

هوای بدون تغییر اشاره دارد (Gangwar and et al, 2013: 185) اصطلاح سرمایه فیزیکی به زیرساخت‌های اساسی مانند جاده و کانال‌های آبرسانی و ابزارها و کالاهای تولیدی و سرمایه‌ای (مانند ماشین‌هایی از قبیل تراکتور و غیره) که برای پشتیبانی از معیشت مورد نیاز است، اطلاق می‌شود (Holden, 2002: 125) سرمایه اجتماعی به مثابه منابع اجتماعی که افراد برای کمک به معیشت خود از آن‌ها یاری می‌جویند، تعریف شده است (Dearden and et al, 2002: 111) سرمایه مالی به منابع اقتصادی اشاره دارد که مردم برای گذران زندگی خود از آنها استفاده می‌کنند. در مورد معیشت پایدار ایده‌ها و نظریه‌های متعددی بیان شده است که از منظر گیدنز (۱۳۸۶)، توسعه اقتصادی را باید به شدت محدود کرد تا محیط زیست در راستای تحقق معیشت پایدار حفظ شود. یکی از نظریه‌های رایج درباره معیشت پایدار نظریه مارپیچ نزولی فقر و محیط زیست است. هم‌پوشانی ضمنی مفاهیم رشد جمعیت و حاشیه‌ای شدن اقتصادی در حیطه بررسی‌های معیشت پایدار، موجب پیدایش نظریه‌های منفی شده است. مبنی بر این که اجتماعات فقیر در مواجهه با مسائلی از قبیل رشد جمعیت و مشکلات اقتصادی، با مارپیچی نزولی روبرو هستند. چمبرز (۱۹۸۷)، در شرح نظریه معیشت پایدار خود بیان کرده است که در روستاهای جهان سوم، به ویژه در مناطق استوایی، سه جریان آشکار وجود دارد: رشد جمعیت (معمولاً در مناطقی از رشد سریع برخوردار است که پایه‌های زیست محیطی آسیب‌پذیرتری وجود دارد)، هجوم هسته (یعنی مناطق مرکزی مانند مناطق شهری، صنعتی و ثروتمند) به محیط زیست روستایی (هجوم و فشار از مرکز: به عقیده چمبرز، دومین جریان یعنی فشار و هجوم از مرکز، به طور خلاصه عبارتست از نفوذ مالکان قدرتمند به نواحی روستایی و بهره‌برداری نهادها و افراد مقیم مرکز و محیط‌های شهری از نواحی روستایی). و واکنش از جانب فقرای روستایی. چمبرز چهار شیوه تفکر را در گفتمان غالب محیط، توسعه و فقر از یکدیگر متمایز می‌کند و در نوع چهارم، به تشریح نظریه خود می‌پردازد. چهار شیوه مذکور، عبارتست از: تفکر محیط زیستی^۹، تفکر توسعه‌ای^{۱۰}، تفکر معیشتی^{۱۱} و تفکر معیشتی پایدار^{۱۲}. تفکر محیط زیستی و توسعه‌ای، هر دو بیانگر رویکردهای تخصص‌گرایی مرسوم است. دو رویکرد مذکور، بارها مورد چالش و انتقاد قرار گرفته است و اکنون بسیاری از طرفداران آنها، تصدیق می‌کنند که مردم، به ویژه قشر آسیب‌پذیر باید در اولویت قرار بگیرند. اما با وجود شباهت‌های میان دو رویکرد مذکور، باید گفت که در رویکرد زیست محیطی، علاوه بر بیان آثار منفی شیوه معیشت افشار کم درآمد بر تخریب محیط زیست، بر آثار توسعه و طرح‌های توسعه‌ای بر محیط زیست نیز تاکید می‌شود. در واقع، تفکر محیط زیستی رویکردی بلندمدت و ارزشی به آینده دارد، در حالی که در تفکر توسعه‌ای، رویکردی میان مدت اتخاذ می‌گردد و منافع آیندگان در تحلیل‌های مرسوم اقتصادی هزینه-فایده نادیده گرفته می‌شود (فیروزآبادی و عظیم زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۶) و نیز، در تفکر معیشت پایدار، بر توانمندسازی افشار آسیب‌پذیر برای فایق آمدن بر شرایطی تاکید می‌شود که آن‌ها را به اتخاذ سیاست‌های کوتاه مدت برای گذران زندگی مجبور می‌کند. این شیوه فکری برخلاف رویکردهای مرسوم که غالباً از مرکز به پیرامون و از بالا به پایین است، نگاهی از پیرامون به مرکز و از

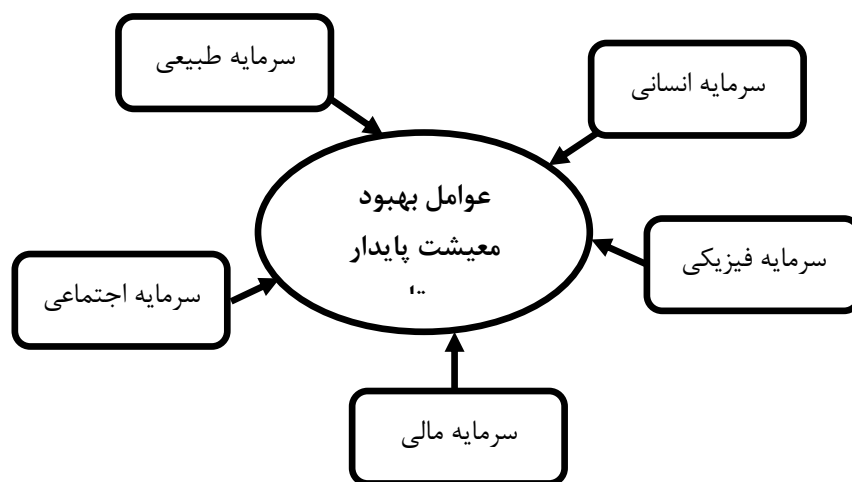
⁹. Environmental Thinking

¹⁰. Development Thinking

¹¹. Livelihood Thinking

¹². Sustainable Livelihood Sustainable

پایین به بالا دارد. چمبرز تاکید کرده است که در این شیوه تفکر، سطح زندگی قشر آسیب‌پذیر صرفاً نباید تا خط فقر بالا بیاید، بلکه فرآیند توانمندسازی تاجایی ادامه یابد که سطح زندگی آنان را بالاتر از خط معیشت قرار دهد. فقط در چنین شرایطی است که آنان توانایی ذخیره‌کردن، غلبه بر فشارها و افزایش بهره‌وری را در بلند مدت خواهد داشت. در رویکرد مذکور، توسعه پایدار به معنی ایمن کردن هر چه بیش‌تر معیشت پایدار برای گروه‌های کم درآمد است که در شرایط بحرانی قرار دارند. این موضوع، باعث می‌گردد که به بهره‌برداری از محیط زیست، ثبات بخشیده شود، بهره‌وری افزایش یابد و تعادلی پویا فراتر از خط معیشت پایدار در میزان جمعیت و منابع برقرار شود. در این رویکرد، برای ایجاد شرایطی به منظور بهبود زندگی قشر آسیب‌پذیر تلاش شده است تا آن‌ها در نتیجه ارتقای شرایط معاش، منافع خود را در تحقق توسعه پایدار ببینند. در نهایت با توجه به پیش‌نگاشته‌های موضوع مدل مفهومی تحقیق در شکل (۳)، ترسیم شده است.



شکل (۳) مدل مفهومی تحقیق، ۱۳۹۵

روش تحقیق

این تحقیق، از لحاظ هدف توسعه‌ای، و از لحاظ ماهیت توصیفی و پیمایشی و نیز از نوع تحلیلی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل روستاییان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق روستایی شهرستان اردبیل می‌باشد ($N=85053$)، که از این میان تعداد ۳۸۳ نفر با استفاده نمونه‌گیری تصادفی ساده و بر اساس فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. گردآوری داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش اسنادی و میدانی بوده، و روش میدانی نیز مبتنی از ابزار پرسش‌نامه بوده است که با توجه به اهداف تحقیق طراحی شد. رویایی صورتی پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان مورد تایید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسشنامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق طبق جدول (۲) بدست آمد.

جدول (۲). مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

ردیف	متغیرها	آلفای کرونباخ
۱	اجتماعی	۰/۸۱
۲	محیطی	۰/۷۵
۳	اقتصادی	۰/۷۸
۴	نهادی و مدیریتی	۰/۷۶

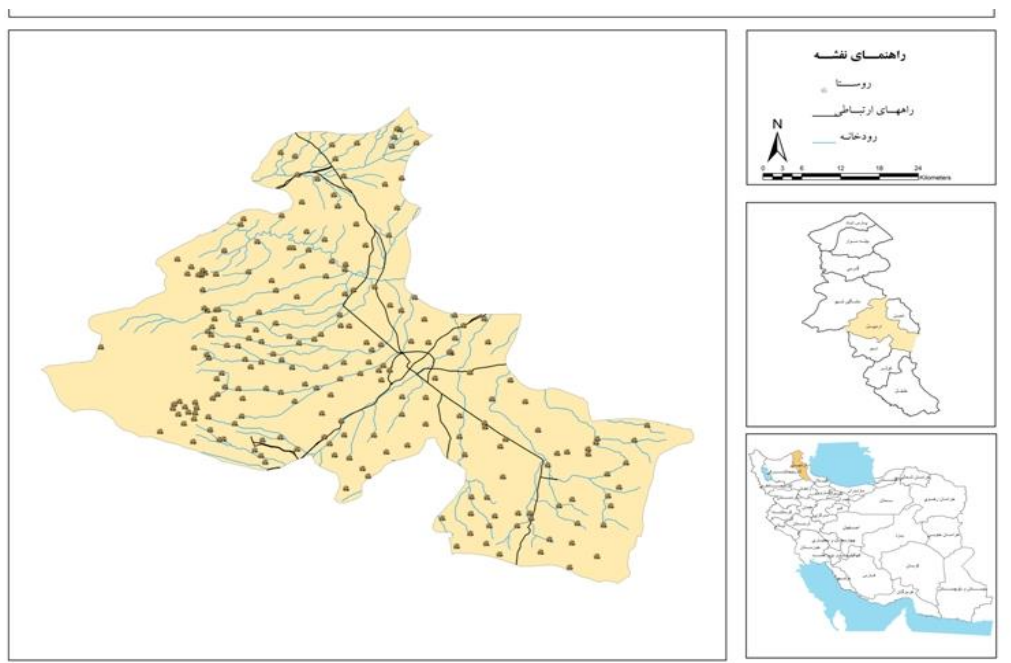
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵.

متغیرهای مستقل این تحقیق عامل اقتصادی (تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، بهبود عملیات کشاورزی، تقویت زیرساخت اقتصادی، نیاز به سرمایه‌گذاری در روستای محل سکونت، ثبات شغلی، افزایش بهره‌وری، همکاری اعضای در فعالیت‌های کشاورزی، درجه مکانیزاسیون مزارع، میزان پس‌انداز، دسترسی به بازار، بهبود وضعیت الگوی مصرف مواد غذایی و درآمد سرانه)، عامل اجتماعی (آموزش مداوم و مستمر، تقویت شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی-نهادی، مشارکت اجتماعی، دسترسی به خدمات اجتماعی، بهبود امنیت اجتماعی، دسترسی به منابع اطلاعاتی و دانش همگانی و ریسک‌پذیری)، عامل محیطی (نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی، حفظ محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی به عنوان مولفه اصلی نظام معیشت محلی، سن سرپرستان خانوار، میزان توسعه یافتگی روستا، عدم تغییر کاربری روستا، تمرکز بر عناصر بومی و محلی و ایجاد بانک اطلاعاتی روزآمد در زمینه بلایای طبیعی) و عامل مدیریتی (وجود انجمن کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی، ارائه اعتبارات بانکی، نهادهای خودیار محلی، توسعه امکانات حمل و نقل، گسترش امکانات زندگی در روستا و مدیریت تولید در مناطق روستایی) می‌باشند و متغیر وابسته تحقیق نیز معیشت پایدار روستایی است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد. در بخش آمار توصیفی با استفاده از آماره‌هایی نظیر فراوانی، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته شد و در بخش استنباطی مهم‌ترین روش آماری به کاررفته در این پژوهش تحلیل عاملی است. تحلیل عاملی از روش‌های چند متغیره است که در آن متغیرهای مستقل و وابسته مطرح نیست. زیرا این روش، از شیوه‌های هم وابسته است که در آن‌ها همه متغیرها نسبت به هم وابسته شمرده می‌شود و تلاش می‌شود متغیرهای بسیاری در چند عامل خلاصه شود. در پژوهش حاضر فرضیه‌های زیر مورد استفاده قرار گرفته است.

- ۱- بین عامل عامل اجتماعی و معیشت پایدار روستایی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین عامل اقتصادی و معیشت پایدار روستایی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین عامل محیطی و معیشت پایدار روستایی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین عامل مدیریتی و معیشت پایدار روستایی رابطه وجود دارد.

محدوده مورد مطالعه

اردبیل یکی از شهرستان‌های استان اردبیل است. وسعت این شهرستان ۳۸۱۰ کیلومتر مربع است و چهره عمومی آن متأثر از ارتفاعات کوهستان‌های سبلان، طالش و بزغوش است که این عوامل طبیعی سبب محصور شدن آن شده‌اند. این شهرستان به عنوان یکی از مناطق سردسیر ایران بین پنج تا هشت ماه از سال سرد است. اردبیل از شمال به شهرستان نمین از جنوب به گیوی از غرب به مشگین‌شهر و از شرق به استان گیلان محدود است. جمعیت این شهرستان بر اساس سرشماری سراسری سال ۱۳۹۰ ایران، برابر با ۲۷۴۲۰۵ نفر است. که از این بین ۱۵۰۹۴۱ نفر در نقاط شهری و ۱۲۳۲۶۴ نفر در نقاط روستایی ساکن هستند. این شهرستان دارای ۳ شهر به نام اردبیل، هیر و سرعین است. هم‌چنین، شهرستان اردبیل دارای سه بخش، ۱۱ دهستان، ۳۲۹ آبادی دارای سکنه می‌باشد. در نهایت شکل (۴) محدوده مورد مطالعه را در سطح کشور و توزیع جغرافیایی روستاها را در محدوده شهرستان نشان می‌دهد.



شکل (۴) پراکنش فضای نقاط روستایی شهرستان اردبیل

منبع: حیدری ساربان، ۱۳۹۳

نتایج

الف) نتایج توصیفی

ویژگی‌های نمونه فردی مورد مطالعه

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نمونه آماری مورد مطالعه برحسب گروه سنی، در محدوده سنی ۱۵ الی ۷۳ سال قراردارند. همان طوری که جدول (۳) نشان می‌دهد بیش‌ترین تعداد نمونه در گروه سنی ۳۱ الی ۴۰

سال قرار دارند. بررسی وضعیت تاهل نیز نشان داد ۵۴/۵۶ درصد (۲۰۹ نفر) متاهل و ۴۵/۴۳ درصد (۱۷۴ نفر) در تحقیق حاضر مجرد هستند. بررسی تعداد اعضای خانوار نیز مشخص کرد محدوده سنی ۴ الی ۶ با ۳۵/۲۴ درصد در بالاترین رده و محدوده سنی بالای ۱۰ با ۹/۳۹ درصد در پایین ترین رده قرار دارند.

جدول (۳) توزیع فراوانی روستاییان مورد مطالعه بر حسب گروه سنی، وضعیت تاهل و تعداد اعضای خانوار

گروه سنی	فراوانی	درصد
۲۰سال و کمتر	۶۵	۱۶/۹۷
۲۱-۳۰	۹۸	۲۵/۵۸
۳۱-۴۰	۱۱۱	۲۸/۹۸
۴۱سال و بالاتر	۱۰۹	۲۸/۴۵
جمع	۳۸۳	٪۱۰۰
وضعیت تاهل		
مجرد	۱۷۴	۴۵/۴۳
متاهل	۲۰۹	۵۴/۵۶
جمع	۳۸۳	٪۱۰۰
تعداد اعضای خانوار		
۰-۳	۸۷	۲۲/۷۱
۴-۶	۱۳۵	۳۵/۲۴
۷-۹	۱۲۵	۳۲/۶۳
بالای ۱۰	۳۶	۹/۳۹
جمع	۳۸۳	٪۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

همان طور که جدول (۴) نشان می‌دهد که از میان ۳۸۳ نفر نمونه آماری مورد مطالعه، ۹۵ نفر بی‌سوادند (۲۴/۸ درصد)، ۱۲/۲۷ درصد با آموزش نهضت سوادآموزی، توانایی خواندن و نوشتن دارند. ۸۵ نفر (۲۲/۱۹ درصد) در مقطع ابتدایی تحصیل کرده‌اند و ۶۹ نفر (۱۸/۰۱ درصد) در مقطع راهنمایی و ۱۲/۷۹ درصد در مقطع متوسطه تحصیل کرده‌اند. ۳۸ نفر (۹/۹۲ درصد) نیز مدرک دیپلم دارند. با توجه به این اطلاعات، می‌توان گفت ۵۹/۲۶ درصد از نمونه آماری مورد مطالعه، تحصیلات قابل توجهی ندارند بی‌سواد و کم سواد هستند.

جدول (۴) وضعیت تحصیلات نمونه مورد مطالعه

ردیف	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
۱	بی‌سواد	۹۵	۲۴/۸۰
۲	خواندن و نوشتن	۴۷	۱۲/۲۷
۳	ابتدایی	۸۵	۲۲/۱۹
۴	راهنمایی	۶۹	۱۸/۰۱
۵	متوسطه	۴۹	۱۲/۷۹
۶	دیپلم و بالاتر	۳۸	۹/۹۲
۷	جمع کل	۳۸۳	٪۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

اولویت‌بندی عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی

به منظور تعیین مهم‌ترین عوامل بهبود معیشت پایدار از دیدگاه روستاییان شهرستان اردبیل، میانگین رتبه‌ای نظر روستاییان محاسبه و اولویت‌بندی گردید. برای اولویت‌بندی از ضریب تغییرات (CV) استفاده شده است که یک شاخص نسبی است و امکان مقایسه متغیرهای مختلف را فراهم می‌آورد. همان طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی، بهبود عملیات کشاورزی و تقویت زیرساخت اقتصادی جزو مهم‌ترین عوامل اولویت‌بندی شده است.

جدول (۵) اولویت‌بندی عوامل بهبود معیشت پایدار از دیدگاه روستاییان

نمره	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی	۶/۶۵	۰/۷۵	۵۵/۴
۲	نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی	۶/۵۴	۰/۷۶	۳۵/۷
۳	بهبود عملیات کشاورزی	۶/۴۵	۰/۵۹	۲۴/۸
۴	تقویت زیرساخت اقتصادی	۶/۲۳	۰/۶۴	۴۳/۷
۵	آموزش مداوم و مستمر	۶/۱۹	۰/۳۵	۵۲/۷
۶	تمایل به سرمایه‌گذاری در روستای محل سکونت	۶/۱۲	۰/۶۲	۶۲/۴
۷	حفظ محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی به عنوان مولفه اصلی نظام معیشت محلی	۶/۰۲	۰/۷۸	۵۴/۵
۸	وضعیت زیرساخت‌های فیزیکی	۵/۹۹	۰/۶۹	۵۷
۹	مدیریت تولید در مناطق روستایی	۵/۹۵	۱/۰۵	۶۳/۸
۱۰	ثبات شغلی	۵/۸۶	۱/۱۱	۷۷/۸
۱۱	افزایش بهره‌وری	۵/۷۹	۱/۰۶	۳۳/۶
۱۲	همکاری اعضای خانوار در فعالیت‌های کشاورزی	۵/۶۴	۰/۱۹	۲۵/۸
۱۳	میزان توسعه یافتگی روستا	۵/۵۳	۰/۱۸	۴۸/۷
۱۴	درجه مکانیزاسیون مزارع	۵/۴۹	۰/۲۳	۳۲/۶
۱۵	گسترش امکانات زندگی در روستا	۵/۳۴	۰/۹۸	۵۰/۹
۱۶	تقویت شبکه‌های اجتماعی	۵/۲۸	۰/۵۷	۶۵
۱۷	اعتماد اجتماعی - نهادی	۵/۱۹	۱/۲۱	۷۵
۱۸	بهبود زیرساخت فرهنگی	۵/۱۴	۱/۳۲	۶۴
۱۹	دسترسی به خدمات اجتماعی	۵/۰۹	۰/۴۲	۸۲
۲۰	دسترسی به بازار	۵	۰/۷۲	۳۴
۲۱	میزان پس انداز	۴/۹۷	۰/۴۹	۱۶
۲۲	کیفیت منابع آب و خاک	۴/۹۳	۰/۷۹	۴۶
۲۳	مشارکت اجتماعی	۴/۷۵	۰/۵۱	۵۲/۲
۲۴	آشنایی با نهادهای خودیار محلی	۴/۶۵	۰/۳۳	۴۷/۶
۲۵	بهبود وضعیت الگوی مصرف مواد غذایی	۴/۵۷	۰/۸۱	۴۴/۹
۲۶	ارائه اعتبارات بانکی	۴/۵۱	۰/۵۳	۳۴/۷
۲۷	درآمد سرانه	۴/۴۶	۰/۵۳	۳۷/۲
۲۸	عدم تغییر کاربری روستا	۴/۳۶	۰/۷۷	۴۴/۴
۲۹	بیمه محصولات کشاورزی	۴/۲۸	۰/۷۴	۲۵/۷
۳۰	سن سرپرستان خانوار	۴/۲۲	۱/۰۴	۳۲

۲۵	۱/۱۴	۴/۱۹	بهبود امنیت اجتماعی	۳۱
۶۳/۸	۰/۷۴	۴/۱۵	انگیزه پیشرفت	۳۲
۷۲/۸	۰/۲۱	۴/۱۱	دسترسی به منابع اطلاعاتی و دانش همگانی	۳۳
۲۴/۵	۱/۱۴	۴/۰۵	توسعه امکانات حمل و نقل	۳۴
۲۵/۶	۰/۳۳	۳/۹۸	وجود انجمن کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی	۳۵
۶۷	۰/۱۱	۳/۶۷	ریسک پذیری	۳۶
۴۳/۷	۱/۴۱	۳/۵۷	ایجاد بانک اطلاعاتی روزآمد در زمینه بلایای طبیعی	۳۷
۶۶/۵	۰/۹۹	۳/۴۶	تمرکز بر عناصر بومی و محلی	۳۸
۴۳/۸	۰/۶۵	۳/۲۵	خلاقیت و نوآوری	۳۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵.

ب) نتایج استنباطی

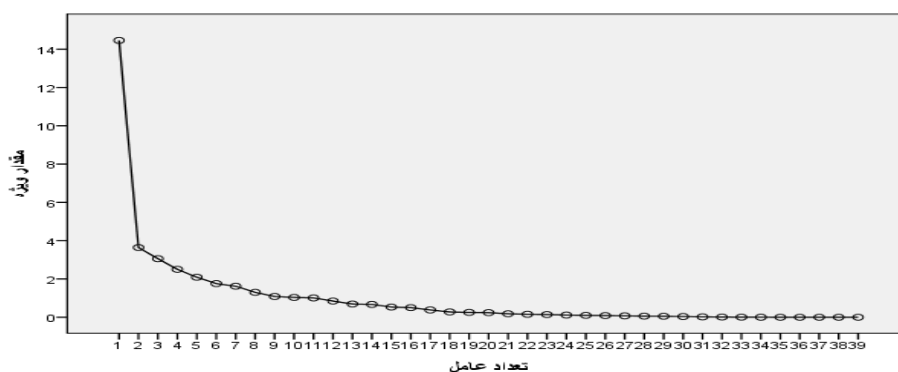
برای تعیین مهم‌ترین عوامل بهبود معیشت پایدار روستاییان شهرستان اردبیل، از تحلیل عاملی استفاده شد. محاسبات انجام شده در جدول (۶) نشان می‌دهد که جهت تعیین انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی از آزمون KMO^{13} و بارتلت استفاده گردید و در این بخش مقدار KMO برابر $0/645$ و نیز آماره بارتلت برای تعیین عوامل بهبود معیشت پایدار از دیدگاه روستاییان در منطقه مورد مطالعه نیز برابر با $151/115$ به دست آمد که در سطح یک $0/000$ معنی‌دار می‌باشد. بنابر این داده‌های موجود برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شدند.

جدول (۶) مقدار KMO و آزمون بارتلت

Sig	Bartlet Test	KMO	تحلیل عاملی
0/000	151/115	0/645	عوامل بهبود معیشت پایدار روستاییان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵.

برای تعیین عوامل از نمودار سنگریزه‌ای مقدار ویژه و درصد واریانس استفاده گردید. بر این اساس ۴ عامل شناسایی شدند که در مجموع $(60/66)$ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. شکل (۵).



شکل (۵) نمودار سنگریزه‌ای برای تعیین تعداد عامل‌ها

¹³.Kaiser-Meyser-Oklın

در جدول (۷) ملاحظه می‌شود در این تحقیق، با توجه به ملاک کیسر، ۴ عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک برای عوامل بهبود معیشت پایدار از دیدگاه روستاییان شهرستان اردبیل استخراج شد. پس از چرخش عاملی به روش وریماکس^{۱۴}، متغیرهای مربوط به عوامل بهبود معیشت پایدار از دیدگاه روستاییان در ۴ عامل طبقه‌بندی شدند.

جدول (۷) عوامل استخراج شده با مقادیر ویژه و درصد واریانس قبل از چرخش

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
عامل اول	۱۴/۴۸	۳۷/۰۷	۳۷/۰۷
عامل دوم	۳/۶۴	۹/۳۳	۶۴/۴
عامل سوم	۳/۰۵	۷/۸۴	۵۴/۳۵
عامل چهارم	۲/۵	۶/۴۱	۶۰/۶۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

چرخش عامل‌ها و نام‌گذاری آنها (تحلیل عاملی عوامل بهبود معیشت پایدار در منطقه مورد مطالعه) در این پژوهش برای تسهیل در تفسیر عامل‌ها و ساده کردن ساختار آنها از چرخش عاملی از نوع وریماکس استفاده شده است. جدول (۸) عامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه و درصد واریانس را بعد از چرخش نشان می‌دهد. عامل اول بیش‌ترین سهم (۱۶/۱۲ درصد) و عامل چهارم کم‌ترین سهم (۱۴/۵۲ درصد) را در تبیین واریانس کل متغیرها دارا می‌باشد.

جدول (۸) عوامل استخراج شده با مقادیر ویژه و درصد واریانس بعد از چرخش

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
عامل اول	۶/۲۸	۱۶/۱۲	۱۶/۱۲
عامل دوم	۵/۹۴	۱۵/۲۳	۳۱/۳۵
عامل سوم	۵/۷۶	۱۴/۷۹	۴۶/۱۴
عامل چهارم	۵/۶۶	۱۴/۵۲	۶۰/۶۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

هم‌چنین برای تعیین سطح معنی‌داری و بیان نقش هر متغیر در عامل مربوط، در پژوهش حاضر متغیرهایی که بار عاملی بیش از ۰/۴ داشتند مدنظر قرار گرفتند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که تمام متغیرهای وارد شده، دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۴ بوده‌اند. در نهایت بر اساس نتایج جدول (۹)، متغیرهایی که در هر یک از چهار عامل مذکور قرار می‌گیرند، عبارتند از:

عامل اول: تقویت زیرساخت اقتصادی، تمایل به سرمایه‌گذاری در روستای محل سکونت، نوآوری و خلاقیت، انگیزه پیشرفت، افزایش بهره‌وری، درجه مکانیزاسیون، وجود انجمن‌های کارآفرینی کشاورزی و ریسک‌پذیری در این عامل جای می‌گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تاثیرگذار، عامل اول تحت عنوان عامل «کارآفرینی و تقویت زیرساخت اقتصادی» نامیده می‌شود. که این عامل با مقدار ویژه (۶/۲۸)، در مجموع (۱۶/۱۲) درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

¹⁴.Vrimax

عامل دوم: توسعه امکانات حمل و نقل، مدیریت تولید در مناطق روستایی، آشنایی با نهادهای خودیار محلی، بهبود وضعیت الگوی مصرف مواد غذایی، بیمه محصولات کشاورزی، سن سرپرستان خانوار، دسترسی به منابع اطلاعاتی و دانش همگانی، گسترش امکانات زندگی در روستا و ارائه اعتبارات بانکی در این عامل جای می‌گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تاثیرگذار، عامل دوم تحت عنوان عامل «حمایت از طرف تقاضا و اقدام مداخله‌ای دولت» نامیده می‌شود که با مقدار ویژه (۵/۹۴)، در مجموع (۱۵/۲۳) درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل سوم: آموزش مداوم و مستمر، همکاری اعضای خانوار در فعالیتهای کشاورزی، درآمد سرانه، تقویت شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی- نهادی، بهبود زیرساخت فرهنگی، دسترسی به خدمات اجتماعی، مشارکت اجتماعی، دسترسی به بازار و امنیت اجتماعی در این عامل جای می‌گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تاثیرگذار، عامل سوم تحت عنوان عامل «تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی» نامیده می‌شود. که با مقدار ویژه (۵/۷۶)، در مجموع (۱۴/۷۹) درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

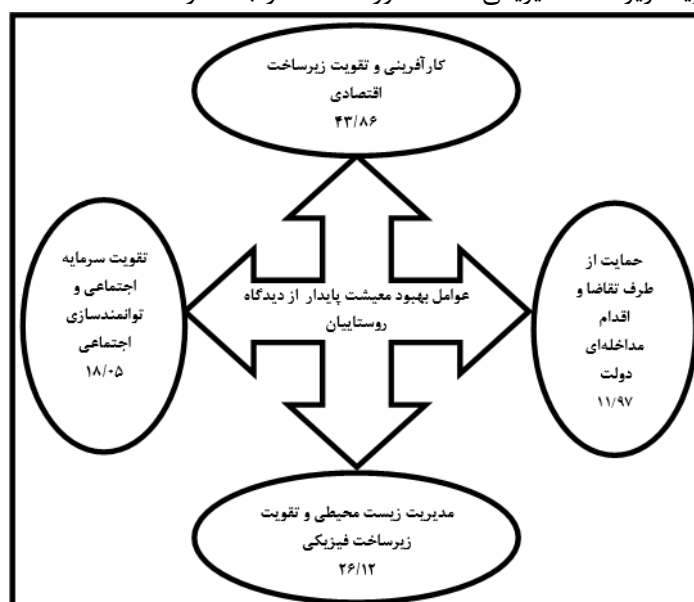
عامل چهارم: حفظ محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی به عنوان مولفه اصلی نظام معیشت محلی، میزان توسعه یافتگی روستا، کیفیت منابع آب و خاک، نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی، ایجاد بانک اطلاعاتی در زمینه بلایای طبیعی، تقویت زیرساخت فیزیکی، عدم تغییر کاربری روستا تمرکز بر عناصر بومی و محلی و ثبات شغلی مناطق روستایی در این عامل جای می‌گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تاثیرگذار، عامل چهارم تحت عنوان عامل «مدیریت زیست محیطی تقویت زیرساخت فیزیکی» نامیده می‌شود. که این عامل با مقدار ویژه (۵/۶۶)، در مجموع (۱۴/۵۲) درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

جدول (۹) متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و بار عاملی بدست آمده از ماتریس دوران یافته

بار عاملی	متغیرها	نام عامل	
۰/۹۸	تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی	کارآفرینی و تقویت زیرساخت اقتصادی	
۰/۹۴	بهبود عملیات کشاورزی		
۰/۹۲	تقویت زیرساخت اقتصادی		
۰/۸۷	تمایل به سرمایه گذاری در روستای محل سکونت		
۰/۴۹	انگیزه پیشرفت		
۰/۴۷	نوآوری و خلاقیت		
۰/۸۵	افزایش بهره‌وری		
۰/۸۱	درجه مکانیزاسیون مزارع		
۰/۶۲	وجود انجمن‌های کارآفرینی کشاورزی		
۰/۵۲	ریسک پذیری		
۰/۵۸	توسعه امکانات حمل و نقل		حمایت از طرف تقاضا و اقدام مداخله‌ای دولت
۰/۸۲	مدیریت تولید در مناطق روستایی		
۰/۶۹	آشنایی با نهادهای خودیار محلی		
۰/۶۱	بهبود وضعیت الگوی مصرف مواد غذایی		
۰/۵۷	بیمه محصولات کشاورزی		
۰/۵۹	سن سرپرستان خانوار		
۰/۵۴	دسترسی به منابع اطلاعاتی و دانش همگانی		
۰/۸۰	گسترش امکانات زندگی در روستا		

۰/۶۷	ارائه اعتبارات بانکی	تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی
۰/۹۰	آموزش مداوم و مستمر	
۰/۸۶	همکاری اعضای خانوار در فعالیت‌های کشاورزی	
۰/۷۷	درآمد سرانه	
۰/۶۰	تقویت شبکه‌های اجتماعی	
۰/۵۶	اعتماد اجتماعی - نهادی	
۰/۵۵	بهبود زیر ساخت فرهنگی	
۰/۷۶	دسترسی به خدمات اجتماعی	
۰/۷۴	مشارکت اجتماعی	
۰/۷۳	دسترسی به بازار	
۰/۶۵	امنیت اجتماعی	مدیریت زیست محیطی و تقویت زیرساخت فیزیکی
۰/۸۸	حفظ محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی به عنوان مولفه اصلی نظام معیشت محلی	
۰/۸۲	میزان توسعه یافتگی روستا	
۰/۷۰	کیفیت منابع آب و خاک	
۰/۹۷	نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی	
۰/۷۵	عدم تغییر کاربری روستا	
۰/۷۹	ثبات شغلی	
۰/۷۸	وضعیت زیرساخت‌های فیزیکی	
۰/۴۶	تمرکز بر عناصر بومی و محلی	مدیریت زیست محیطی و تقویت زیرساخت فیزیکی
۰/۴۷	ایجاد بانک اطلاعاتی در زمینه بلایای طبیعی	

در نهایت با توجه به نتایج فوق، عوامل موجود بر بهبود معیشت پایدار مناطق روستایی در شکل (۶) نشان داده شده است که بر اساس آن بهبود معیشت پایدار مناطق روستایی با کارآفرینی و تقویت زیرساخت اقتصادی، حمایت از طرف تقاضا و اقدام مداخله‌ای دولت، تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی و مدیریت زیست محیطی و تقویت زیرساخت فیزیکی منطقه مورد مطالعه ارتباط دارد.



شکل (۵) مدل نهایی پژوهش؛ عوامل بهبود معیشت پایدار و درصد تبیین هریک از آنها

همان‌طوری که مدل تحلیل نشان می‌دهد کارآفرینی و تقویت زیرساخت اقتصادی به بهبود معیشت پایدار روستایی منتهی می‌شود در این ارتباط باید گفت که کارآفرینی نقش مهمی در بهبود معیشت پایدار روستایی از منظر تقویت اقتصاد روستا، افزایش بهره‌وری، خلق محصولات و خدمات جدید، بهره‌گیری از منابع مالی محدود با کمترین میزان ارزیابی و کسب درآمد برای خانوارهای فاقد درآمد یا کم درآمد، کاهش فقر، مدیریت بهینه منابع، افزایش تقاضا برای کشاورزان محلی و تولیدات غیر کشاورزی، ترکیب بهینه سرمایه، افزایش کارآیی و اثربخشی، توسعه کشاورزی و افزایش میزان محصولات تولیدی، افزایش درآمد، بهبود الگوی مصرف مواد غذایی و اشتغال‌زایی روستاییان ایفا می‌کند و کارآفرینی به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای اصلی رشد و توسعه اقتصاد روستا و در نهایت بهبود معیشت مناطق روستایی به دلایل زیر دارای اهمیت است:

- عامل افزایش سرمایه‌گذاری و به تبع آن افزایش سود و سرمایه گذاران می‌شود.
 - سبب ایجاد فرصت‌های تازه در بازار کار روستا و راهکار موثری در ایجاد اشتغال مولد و پایدار در مناطق روستایی می‌شود.
 - موجب دگرگونی ارزش‌ها و تحول ماهیت آن‌ها می‌شود و ارزش‌های تازه‌ای پیرامون کسب و کار در مناطق روستایی به وجود می‌آورد.
 - موجب آسان شدن روند رشد و توسعه مناطق روستایی شده و به ارتقای شاخص‌های معیشت پایدار می‌انجامد.
 - محیط و شرایط لازم را برای تقویت تولید مهیا ساخته و هم‌چنین بازاریابی محصولات تولیدی روستایی را تسهیل می‌کند.
 - عامل تقویت و تکامل صنایع روستایی شده و زمینه تنوع بخشی به اقتصاد روستایی را شتاب می‌بخشد.
- در خصوص رابطه سرمایه اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی با بهبود معیشت پایدار روستایی باید گفت که تقویت سرمایه اجتماعی به کاهش نابرابری و فقر در سطح جامعه روستایی منتهی می‌شود به این صورت که به باور کناک (۲۰۰۰)، سرمایه اجتماعی نرخ فقر را کاهش می‌دهد و عدم تساوی در درآمدها را اصلاح می‌کند و یا به باور پاتنام (۲۰۰۱)، بین ارتقای شاخص‌های سرمایه اجتماعی با توانمندسازی فقرای روستایی، بازاریابی محصولات تولیدی، مدیریت پایدار منابع، تقویت و توسعه روحیه کارآفرینی در بین روستاییان، تجدید حیات اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی رابطه وجود دارد. افزون بر این به زعم لینرت و بورگر^{۱۵} (۲۰۱۵)، بین سرمایه اجتماعی و بهبود معیشت پایدار روستایی به دلیل یکپارچه‌سازی اراضی زراعی، کاهش هزینه تولید، افزایش بهره‌وری نیروی کار، تقویت خوداثربخشی و خودمدیریتی، عدم مانع تراشی روستاییان برای پیشرفت یکدیگر و افزایش رضایت شغلی و استفاده کارآ و موثر از منابع در دسترس رابطه وجود دارد. و نیز به باور فرگوسن^{۱۶} (۲۰۱۲)، سرمایه اجتماعی شاخص‌های معیشت پایدار روستایی را از منظر تسهیل فرآیند بازاریابی محصولات تولیدی، بهبود فرصت‌های شغلی و دسترسی برابر به اعتبارات ارتقای می‌بخشد. زاهدی و نجفی (۱۳۸۵)،

¹⁵ .lienert and Burger

¹⁶ . Ferguson

پیرامون حمایت از طرف عرضه و اقدام مداخله‌ای دولت ذکر این نکته در خور تعمق است که برای حل چالش‌های پیرامون معیشت پایدار تنها با نگاه کل‌نگر به توسعه و به ویژه توسعه روستایی و استفاده از یک روش‌شناسی خاص حل مساله برای تحقق توسعه معیشت پایدار روستایی، با تبعیت از توانمندسازی و ظرفیت‌سازی جامعه روستایی برای برنامه‌ریزی و مدیریت روستایی، باید از داخل خود جامعه محلی شروع کرد و عوامل بیرونی می‌توانند به عنوان تسهیل‌گر، ایفای نقش کنند و دولت هم در جهت تحقق معیشت پایدار روستایی توسعه امکانات حمل و نقل، تقویت نهادهای خودیار محلی، بهبود وضعیت الگوی مصرف مواد غذایی، بیمه محصولات کشاورزی، در دسترس قرار دادن اطلاعات و دانش همگانی، گسترش امکانات زندگی در روستا، ارائه اعتبارات بانکی و آموزش مداوم و مستمر را در سرلوحه اقدامات و برنامه‌های عملی خود قرار دهد.

در نهایت در خصوص ارتباط مدیریت زیست محیطی و تقویت زیرساخت فیزیکی با معیشت پایدار باید گفت که اقدامات زیربنایی در جهت تدوین روش‌های جدید سازماندهی فعالیت‌ها، تنوع شغلی و بهره‌برداری از منابع با رویکرد آینده‌نگری صورت گیرد؛ و گام‌هایی در راستای تنوع بخشی معیشتی، برقراری ترکیب مناسب بین سرمایه‌های معیشتی در مناطق روستایی، تحلیل منابع معیشتی و انطباق شیوه فعالیت با توان محیط زیست، تحلیل سطح آسیب‌پذیری محیط زیست برداشته شود. در این راستا الگوی معیشت پایدار به عنوان یکی از رویکردهای توسعه روستایی نوین در اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح شد که از ویژگی‌های آن، ترکیب عوامل معیشتی جامعه روستایی با توسعه پایدار بود؛ زیرا به باور زاهدی و نجفی (۱۳۸۵)، توسعه اقتصادی علاوه بر تغییر ارزش‌ها و نهادهای توسعه اقتصادی، مستلزم تغییرات ساختاری و معیشتی جامعه، متناسب با توان‌های زیست محیطی و توان بالقوه است در نهایت در راستای نیل به معیشت پایدار روستایی اقداماتی در خصوص حفظ محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی، حفظ کیفیت منابع آب و خاک، عدم تغییر کاربری روستا، تمرکز بر عناصر بومی و محلی و ایجاد بانک اطلاعاتی در زمینه بلایای طبیعی صورت گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این مقاله عوامل معیشت پایدار در مناطق روستایی شهرستان اردبیل را مورد بحث و بررسی قرار داده است از بین عوامل بهبود معیشت پایدار در مناطق روستایی شهرستان اردبیل تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی، بهبود عملیات کشاورزی و تقویت زیرساخت اقتصادی به ترتیب در رتبه اول و چهارم و خلاقیت و نوآوری در رتبه آخر قرار گرفت. افزون بر این، در این تحقیق جهت شناخت عوامل بهبود معیشت پایدار در منطقه مورد مطالعه سی و نه (۳۹) شاخص به کار گرفته شد و داده‌ها با استفاده از مدل تحلیل عاملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و با توجه به ملاک کیسیر، ۴ عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک برای عوامل بهبود معیشت پایدار مناطق روستایی استخراج شد. پس از چرخش عاملی به روش وریماکس، متغیرهای مربوط به عوامل بهبود معیشت پایدار مناطق روستایی در ۴ عامل طبقه بندی شدند. عامل اول با عنوان «کارآفرینی و تقویت زیرساخت اقتصادی» با مقدار ویژه (۶/۲۸) بیش از (۱۶/۱۲) درصد از کل واریانس را تبیین کرد. عامل دوم با عنوان «حمایت از طرف تقاضا و اقدام مداخله‌ای دولت» با مقدار ویژه (۵/۹۴) در مجموع (۱۵/۲۳) درصد از واریانس کل را تبیین کرد. عامل سوم با عنوان «تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی» با مقدار ویژه (۵/۷۶) در مجموع (۱۴/۷۹) درصد از کل واریانس را تبیین کرد. عامل

چهارم با عنوان «مدیریت زیست محیطی و تقویت زیرساخت فیزیکی» با مقدار ویژه (۵/۶۶) در مجموع (۱۴/۵۲) درصد از کل واریانس را تبیین کرد. که در این میان عامل «کارآفرینی و تقویت زیرساخت اقتصادی» در بالاترین رده و عامل «مدیریت زیست محیطی و کالبدی» در پایین‌ترین رده قرار گرفتند و مقدار واریانس و واریانس تجمعی تبیین شده توسط این چهار عامل (۶۰/۶۶) برآورد گردید. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش‌های تانگ و همکاران (۲۰۱۳)، بالتر و مازور (۲۰۰۹) و نوروزی و حیاتی (۱۳۹۴) هم‌خوانی دارد. هم‌خوانی این تحقیق با یافته‌های تحقیق تانگ در تقویت مشارکت اجتماعی و اثر آن در بهبود معیشت روستایی خود را نشان می‌دهد و مشابهت تحقیق بالتر و مازور با تحقیق حاضر در تاکید بیشتر بر سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی نهفته است و مغایرتی که تحقیق بالتر و مازور با تحقیق حاضر دارد تقلیل معیشت پایدار به بعد اجتماعی و اقتصادی و نگاه کم مایه به بعد محیطی می‌باشد. تشابه تحقیق نوروزی و حیاتی با تحقیق حاضر در ارتباط سرمایه اقتصادی، فیزیکی، اجتماعی، زیست محیطی و انسانی با معیشت پایدار روستایی است و مغایرت تحقیق نوروزی و حیاتی با این تحقیق در عدم توجه به بعد نهادی معیشت پایدار است و در کل، نقطه تمایز این تحقیق با تحقیقات سایرین در تاکید بیش‌تر بر بعد نهادی و مدیریتی نهفته است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد بهبود معیشت پایدار مناطق روستایی با کارآفرینی و تقویت زیرساخت اقتصادی، حمایت از طرف تقاضا و اقدام مداخله‌ای دولت، تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی و مدیریت زیست محیطی و تقویت زیرساخت فیزیکی منطقه مورد مطالعه ارتباط دارد و در این راستا باید گفت که با تقویت کارآفرینی از منظر اشتغال‌زایی، افزایش درآمد، تولید ثروت، تنوع بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی، کاهش ریسک معیشتی، افزایش امنیت غذایی پایدار و... می‌توان به معیشت پایدار روستایی مساعدت نمود. و بر دولت است که با ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جوامع روستایی و ایفای نقش تسهیل‌گری خود با تقویت زیرساخت آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی گام‌های اساسی در بهبود معیشت پایدار روستایی بردارد. افزون بر این، سرمایه اجتماعی سیمان و ملاط پیوند دهنده جوامع روستایی از منظر تقویت اعتماد اجتماعی، کاهش تعارضات و اختلافات، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، تقویت جامعه مدنی، مبادله اطلاعات و دانش، ارتباطات اجتماعی و افزایش آگاهی می‌باشد که با تقویت آن می‌توان زمینه بهبود معیشت پایدار روستایی را فراهم کرد و در نهایت از آن جایی که محیط بستر توسعه می‌باشد لذا حفظ و صیانت از این بستر موجبات معیشت پایدار روستایی را تداوم می‌بخشد. در نهایت با استناد به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌گردد به منظور بهبود و ارتقای و پایدار نمودن معیشت جامعه روستایی، می‌بایست سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های توسعه روستایی نگاهی چند بعدی و در عین حال، تمام‌گرایانه، سیستمی و چند بعدی داشته باشند به عبارتی در تحلیل معیشت پایدار روستایی، عوامل ساختاری، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - اعم از درونی و بیرونی - که بر معیشت پایدار روستایی تاثیرگذار است، شناسایی گردد. در زمینه مدیریت منابع در زمینه‌ی مدیریت بهینه‌ی منابع طبیعی بایستی افزایش آگاهی مردم، ارتقاء تحصیلات روستاییان، اشاعه‌ی ارزش‌های اسلامی در بین روستاییان مبنی بر صیانت از محیط زیست، بهبود کیفیت زندگی اقشار فقیر، ترویج کشاورزی ارگانیک، تقویت شبکه‌های غیردولتی و گروه‌های متمرکز بر حفظ منابع طبیعی روستا و ارتقای آگاهی‌های زیست محیطی از طریق برنامه‌ی رادیویی، تلویزیون، کتاب‌های زیست

محیطی و ... در دستور کار قرار گیرد. در نهایت توصیه می‌شود که برنامه‌های آموزشی کارآفرینی جهت تقویت خودکارآمدی اجتماعات روستایی لحاظ شود. برای این منظور می‌توان از معرفی طرح‌های کارآفرینی موفق، نشست با روستاییان موفق و نمونه در نیل به معیشت پایدار روستایی استفاده نمود. توصیه می‌شود در مطالعات این حوزه، تخصصی‌تر وارد این مقوله شد و به تحلیل دقیق‌تری در زمینه رابطه تخریب منابع طبیعی پایه و معیشت پایدار، تغییر کاربری روستا و معیشت پایدار، کارآفرینی و معیشت پایدار، توانمندسازی و معیشت پایدار و شبکه‌های اجتماعی و معیشت پایدار پرداخت.

منابع

- خسروزادبان، مریم، غنیان، منصور و عباس عبدشاهی (۱۳۹۵)، **اولویت‌بندی نظام بهره‌برداری کشاورزی شهرستان بهبهان بر اساس الگوی معیشت پایدار**، فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۱۹(۵): ۱۶۶-۱۱۸.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۵)، **بسط مفهومی توسعه پایدار، مطالعات مدیریت بهبود و تحول**، ۵۰: ۱۸-۱.
- سجاسی قیداری، حمدالله، صادقلو، طاهره و اسماعیل شکوری فرد (۱۳۹۵)، **سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان تایباد)**، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۱۲: ۲۱۵-۱۹۷.
- شکوری، علی و شقایق بهرامی (۱۳۹۳)، **مطالعه تأثیر گردشگری روستایی بر کاهش فقر از منظر معیشت پایدار: مورد روستاهای قلعه نو و کلین شهرستان ری**، فصلنامه توسعه محلی، ۶(۱): ۲۴-۱.
- شهرکی، محبوبه و مریم شریف زاده (۱۳۹۴)، **ارزیابی جایگاه آبی پروری در معیشت پایدار روستایی کشاورزان شهرستان زاهدان**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۶(۱): ۱۱۶-۹۷.
- عبدالله زاده، غلامحسین، صالحی، خدیجه، شریف زاده، محمد شریف و علیرضا خواجه شکوهی (۱۳۹۴)، **بررسی تأثیر گردشگری بر معیشت پایدار روستایی در استان گلستان**، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال ۴(۱۵): ۱۶۹-۱۴۸.
- فیروزآبادی، سید احمد و دلارام عظیم‌زاده (۱۳۹۱)، **فقر روستایی و تخریب محیط زیست: مورد مطالعه روستاهای سرخون و بیدله از توابع استان چهارمحال بختیاری**، فصلنامه روستا و توسعه، ۴(۲): ۱۲۰-۹۹.
- کریمی، کبری و اسماعیل کرمی دهکردی (۱۳۹۴)، **بهره‌برداری از مراتع و لزوم متنوع‌سازی معیشت خانوارهای روستایی**، مطالعه موردی: شهرستان ماه‌نشان، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۶(۲): ۳۶۸-۳۴۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، **مبانی جامعه‌شناسی**، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- محمدی یگانه، بهروز و محمد ولانی. (۱۳۹۳)، **تنوع‌بخشی به اقتصاد روستاها جهت تحقق توسعه پایدار، مورد: دهستان مرحمت آباد شمالی شهرستان میاندوآب**، فصلنامه اقتصادفضا و توسعه روستایی، ۳(۲): ۷۴-۵۰.
- نوری، مرضیه و داریوش حیاتی (۱۳۹۴)، **سازه‌های مؤثر بر معیشت پایدار روستایی از دیدگاه کشاورزان استان کرمانشاه**، فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۱(۱): ۱۴۴-۱۲۷.
- Amaral Porsani, J. (2010). **Understanding the impact of water aces for lives and livelihoods in rural Sahel**. M.Sc. Thesis, Stockholm University, Sweden

- Babulo, B., Muys, B., Nega, F., Tollens, E., Nyssen, J., Deckers, J.f, & Mathijs, E., (2008), **Household livelihood strategies and forest dependence in the highlands of Tigray**, Northern Ethiopia, *Agricultural Systems*, **98(2)**, 147-155.
- Balgis, O. E. (2004). **Sustainable livelihood approach for assessing community's resilience to climate variability and change: A case study from Sudan**. Paper presented at the Second International Conference on Climate Impacts Assessment (SICCIA), Grainau, Germany.
- Butler LM and Mazur RE (2009). **Principles and processes for enhancing sustainable rural livelihoods: Collaborative learning in Uganda**. *International Journal of Sustainable Development and World Ecology*, **14(6)**, 604-617
- Cahn, M. (2002). **The business of living: Rural micro-enterprise and sustainable livelihoods (Unpublished doctoral dissertation)**. Massey University, Palmerston North, New Zealand.
- Carney, D. (1999). **Livelihood approaches compared: A brief comparison of the livelihoods approaches of DFID, CARE, Oxfam, and UNDP**. London: Department for International Development (DFID).
- Chambers, R. (1995). **Poverty and livelihoods: whose reality counts?** *Environment and Urbanization*, **7(1)**: 173-204.
- Chambers, R. (2006). **Ideas for development**. Earth Scan Publication, London, Sterling VA.
- Chambers, R. and Conway, G. R. (1992). **Sustainable Rural Livelihoods: Practical Concepts for the 21st Century**, Institute of Development Studies (IDS), University of Sussex Brighton .
- Chambers, Robert. (1987). **Sustainable livelihood and development: Putting poor rural people first**. Institute of development studies.
- Chen, H., Shivakoti, G., Zhu, T., & Maddox, D. (2012). **Livelihood sustainability and community based co-management of forest resources in China: Changes and improvement**. *Environmental Management*, **49(1)**, 219-228.
- Cherni, J. A., & Hill, Y. (2010). **Energy and policy providing for sustainable rural livelihoods in remote locations e the case of Cuba**. *Geoforum*, **40**, 645-654.
- Dearden, Philip & Roland, Reachal & Alison & Allen Catherine (2002). **Sustainable Livelihood Approaches from the work to the field supporting Livehoods**. Oxford: University of oxford.
- DFID, (1999). **Sustainable livelihoods guidance sheets**: Department for International Development (DFID).
- Elis, F., and Bigs, S. (2001). **Evolving themes in rural development 1950s-200s**. *Development Policy Review*, Overseas Development Instiute, Published by Blackwel Publishers, **19**, 437-48.
- Eddins, E (2013), **a sustianble livelihoods approach to volunteer tourism: the roles of the host community and an alternative break program in Achiote**, Panama, Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy, Colorado State University
- Ferguson, J (2012), **generating sustanible livelihoods, the role of co-operatvies**, *Harnessing the Co-operative Advantage to Build a Better World*, September 4-6, Canadian Co-operative Association.
- Gangwar, L. S., Saran, S., & Kumar, S. (2013). **Integrated Poultry-Fish farming system for sustainable rural livelihood security in Kuma on hills of Uttarakhand**. *Agricultural Economics Research Review*, **26(1)**: 181-188.

- Helmor, C., and Sing, N. (2001). **Sustainable livelihood: building on the wealth of the poor**. Bloomfield: Kumarin Press.
- Holden, A. (2002). **Environment and Tourism**, Harlow: Routledge.
- Ian, S (2015), **Sustainable rural livelihoods and rural development**. UK: Practical Action Publishing and Winnipeg, CA: Fernwood Publishing. **2 (5)**, 120- 145.
- Koerberlein, M. (2011). **Living from waste: livelihood of the actors involved in Delhi's recycling economy**, Saarbrucken (Germany): Verlag fur Entwicklungspolitik.
- Krantz, L (2005), **the Sustainable Livelihood Approach to Poverty Reduction an Introduction**, SWEDISH INTERNATIONAL DEVELOPMENT COOPERATION AGENCY.
- Lienert, J and Burger, P (2015), **Merging capabilities and livelihoods: analyzing the use of biological resources to improve well-being**, Ecology and Society, **20 (2)**, 1-20.
- Narain, U., Gupta, S & Vant, K., (2008). **Poverty and the environment: exploiting the relationship between household incomes, private assets, and natural assets**. Land Economics. Wisconsin.
- Scoones, L (2010), **Livelihoods perspectives and rural development**, Journal of Peasant Studies, **36(1)**, 12-35.
- Serrat, O., (2008). **The sustainable Livehoods Approach**. Manila A D B.
- Shen, F. (2009). **Tourism and sustainable livelihoods approach: Application within the Chinese context (Unpublished doctoral dissertation)**. Lincoln University, USA.
- Singh, P. K., and Hiremath, B.N. (2010). **Sustainable livelihood security index in a developing country: A tol for development planing**. Ecological Indicators, 10, 42–451.
- Tang, Q., Bennet, S., Xu, Y and Li, Y (2013), **Agricultural practices and sustainable livelihoods: Rural transformation within the Loess Plateau, China**, Applied Geography, **4(1)**, 15-23.
- Tong, Q., Bennett, S., Xu, Y and Li, Y., (2013), **Agricultural practices and sustainable livelihoods: Rural transformation within the Loess Plateau, China**, Applied Geography Journal, **4(1)**, 15-23.
- Xu, D., Zhang, J., Rasul, G., Liu, Sh., Xie, F., Cao, M and Liu, E (2015), **Household livelihood strategies and dependence on agriculture in the mountainous settlements in the three gorges reservoir Area, China**, Sustainability Journal, **7 (2)**, 4850- 4869.